

عادل شهرزاد به سرآمد می گوید:

تکمیل زنجیره گردشگری دریایی هرمزگان با سرمایه گذاری در شناورهای گردشگری



مدیر کل اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی استان هرمزگان از درخواست سرمایه گذاران برای خرید و واردات شناورهای مسافری و گردشگری خبر داد و گفت: در حال حاضر

درخواست هایی از سوی سرمایه گذاران برای ورود به حوزه تأمین شناورهای گردشگری و مسافری مطرح شده که این درخواست ها در دست بررسی است و امیدواریم همکاری با این بخش از سرمایه گذاران ادامه پیدا کند. عادل شهرزاد در گفت و گو با اقتصاد سرآمد از درخواست سرمایه گذاران برای خرید و واردات شناورهای مسافری و گردشگری خبر داد و گفت: در حال حاضر درخواست هایی از سوی سرمایه گذاران برای ورود به حوزه تأمین شناورهای گردشگری و مسافری مطرح شده که این درخواست ها در دست بررسی است و امیدواریم همکاری با این بخش از سرمایه گذاران ادامه پیدا کند. مدیر کل اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان هرمزگان با اشاره به ظرفیت های استان هرمزگان در حوزه گردشگری دریایی و تقاضای سرمایه گذاران برای ورود به بخش تأمین شناور اظهار کرد: در بررسی درخواست های سرمایه گذاری در این حوزه باید میان شناورهای مسافری و شناورهای گردشگری تفاوت قائل شد؛ چرا که این دو بخش، اگرچه در ارتباط با جاذبه جایی مسافران و توسعه فعالیت های دریایی قرار دارند، از نظر نوع فعالیت و اهداف سرمایه گذاری قابل تفکیک هستند. وی افزود: در هر دو حوزه شناورهای مسافری و شناورهای گردشگری، سرمایه گذاری وجود دارند که برای تأمین شناورهای مورد نیاز خود درخواست هایی ارائه کرده اند، برخی از این متقاضیان به دنبال خرید شناور هستند و برخی دیگر نیز موضوع واردات شناور را دنبال می کنند. به گفته این مقام مسئول در استان هرمزگان، این درخواست ها جهت خرید شناورهای تفریحی در حال بررسی است و امیدواریم بتوانیم روند همکاری با سرمایه گذاران علاقه مند به فعالیت در این بخش را ادامه دهیم. وی در خصوص شناورهایی که قرار است از طریق این سرمایه گذاری ها به ناوگان دریایی استان اضافه شود، توضیح داد: در حال حاضر نمی توان تعداد مشخصی را برای شناورهایی که قرار است خریداری یا وارد شوند اعلام کرد؛ زیرا درخواست های موجود از نظر نوع سرمایه گذاری و هدف متقاضیان یکسان نیست و باید میان سرمایه گذاری مستقیم در حوزه شناورها و سرمایه گذاری هایی که با هدف تکمیل زنجیره فعالیت های گردشگری انجام می شوند، تفاوت قائل شد. شهرزاد ادامه داد: بخشی از متقاضیان، سرمایه گذاری هستند که به شکل مستقیم قصد دارند در حوزه شناورهای مسافری یا گردشگری فعالیت کنند و سرمایه گذاری خود را به طور مشخص به همین بخش اختصاص دهند، این گروه به صورت مستقیم وارد حوزه تأمین شناور می شوند و فعالیت اصلی مورد نظر آنها در همین بخش تعریف شده است. وی با بیان اینکه بخش دیگری از درخواست ها اهمیت متفاوتی دارد، تصریح کرد: بخش مهم تر و عمده تر تقاضاها به سرمایه گذاری مربوط می شود که قصد دارند زنجیره فعالیت های گردشگری خود را کامل کنند؛ به این معنا که سرمایه گذار ممکن است در حوزه اقامتگاه های گردشگری یا تفریحات آبی و ساحلی سرمایه گذاری کند اما در کنار این فعالیت ها تمایل داشته باشد در حوزه شناورهای گردشگری نیز وارد شود.

«سرآمد» تحلیل می دهد؛

فشار قفل ارزی بر گلو ی صادرات

تحلیل ساختاری چالش های بازگشت ارز صادراتی



نیست، بلکه پیامدهای اقتصادی سنگینی به همراه دارد. سرمایه در گردش واحد تولیدی، که در اصل به چرخه تولید و اشتغال تعلق دارد، در این فاصله طولانی قفل می شود و امکان استفاده مجدد از آن برای تأمین مواد اولیه، پرداخت دستمزد و برنامه ریزی برای تولید بعدی از میان می رود. نتیجه مستقیم این وضعیت، اختلال در چرخه تولید و کاهش توان رقابتی بنگاه در بازارهای صادراتی است. از سوی دیگر، تأخیر در بازگشت ارز به معنای تأخیر در عرضه ارز به سامانه های رسمی مانند نیمه انباشته است؛ امری که فشار بر بازار ارز و نوسانات آن را تشدید می کند و به صورت زنجیره ای، هزینه تأمین مواد اولیه برای سایر بخش های تولیدی را نیز افزایش می دهد. به بیان دیگر، زمان بر بودن بازگشت ارز، یک اختلال جزئی نیست، بلکه سازوکاری است که سرمایه ملی را از مسیر مولد خود منحرف و به هزینه ای برای کل اقتصاد تبدیل می کند. دومین چالش بنیادین، هزینه بالای بازگشت ارز است که به صورت مستقیم حاشیه سود صادرکننده را می بلعد. این هزینه ها طیف متنوعی را در بر می گیرد: از کارمزد صرافی ها و واسطه های مالی برای انتقال ارز، گرفته تا هزینه تبدیل ارز و اختلاف نرخ ناشی از تفاوت قیمت ارز در بازار رسمی و غیررسمی. صادرکننده ای که ارز خود را به صورت حواله در کشورهایی مانند امارات یا عراق دریافت می کند، برای تبدیل آن به اسکناس یا انتقال به ایران ناچار است بخشی از ارزش دارایی خود را صرف کارمزد و هزینه های جانبی کند. گزارش ها حاکی از آن است که در برخی موارد، مجموع این هزینه ها می تواند تا پانزده درصد از ارزش ارز

گروه راهبردی -مرتضی فاخری- بازگشت ارز حاصل از صادرات، به عنوان حلقه پایانی زنجیره تجارت خارجی، در اقتصاد ایران به یکی از پیچیده ترین و پرهزینه ترین گره های سیاست گذاری تبدیل شده است. این فرآیند که در شرایط عادی اقتصادی، صرفاً یک عملیات بانکی روتین تلقی می شود، تحت تأثیر تحریم های بین المللی و ضعف ساختاری روابط بانکی، به مانعی جدی بر سر راه فعالان اقتصادی بدل شده است. صادرکننده ایرانی نه تنها باید برای فروش کالای خود در بازارهای جهانی با رقبای قدرتمند رقابت کند، بلکه پس از فروش نیز با مسیری پرپیچ و خم برای انتقال درآمد ارزی خود به چرخه رسمی اقتصاد مواجه است. تحریم ها با محدود کردن دسترسی به شبکه های بانکی بین المللی و مسدودسازی مسیرهای متعارف نقل و انتقال پول، صادرکنندگان را ناچار کرده است به سازوکارهای غیررسمی و پرهزینه روی آورند؛ سازوکارهایی که نه تنها کارایی لازم را ندارند، بلکه هزینه های پنهان و آشکار متعددی را نیز به فعالان اقتصادی تحمیل می کنند. در چنین بستری، بازگشت ارز دیگر یک انتخاب ساده نیست، بلکه آزمونی دشوار برای بقای صادرکننده در محیطی پر از ابهام و خطر محسوب می شود.

نخستین و شاید ملموس ترین مانع در این مسیر، زمان بر بودن فرآیند بازگشت ارز است. صادرکننده پس از دریافت وجه از خریدار خارجی، باید مراحل متعددی را برای انتقال آن به داخل کشور طی کند؛ مرحله ای که هر یک می تواند هفته ها یا حتی ماه ها به طول انجامد. این تأخیر ساختاری، صرفاً یک اتلاف وقت اداری

رئیس سازمان شیلات ایران در گفت و گو با سرآمد:

تولید ۴۳۱ میلیون قطعه انواع ماهیان زینتی به ارزش ۱۰ همت



ماهیان زینتی به ارزش بیش از ۱۰ همت در کشور خبر داد. این مقام مسئول در سازمان شیلات ایران در ادامه گفته های خود بیان داشت: همچنین بیش از ۷۲۵ تن انواع ماهیان زینتی به ارزش بیش از ۵۶۰ هزار دلار در سال گذشته به کشورهای عراق، ترکیه و افغانستان صادر شده است.

معاون وزیر جهاد کشاورزی و رئیس سازمان شیلات ایران با تأکید بر توسعه صنعت تکثیر و پرورش ماهیان زینتی در کشور از تولید بیش از ۴۳۱ میلیون قطعه انواع ماهیان زینتی به ارزش بیش از ۱۰ همت در کشور خبر داد.

حمزه رستم پور در گفت و گو با خبرنگار اقتصاد سرآمد از تکثیر و پرورش ماهیان زینتی به عنوان اقدام مهم سازمان شیلات ایران در راستای توسعه هر چه بیشتر این صنعت خبر داد و گفت: در همین راستا شاهد راه اندازی فاز نخست بزرگترین واحد تولید ماهی زینتی خاورمیانه با ظرفیت تولید ۳۰ میلیون عدد بچه ماهی و صنایع جانبی آن طی سال گذشته در استان قزوین بودیم.

معاون وزیر جهاد کشاورزی و رئیس سازمان شیلات ایران همچنین در ادامه از تولید بیش از ۴۳۱ میلیون قطعه انواع

صادراتی را از بین ببرد؛ رقمی که با توجه به حاشیه سود محدود بسیاری از فعالیت های صادراتی، عملاً بخش قابل توجهی از انگیزه اقتصادی صادرات را نابود می کند. نکته حائز اهمیت آن است که میزان این ریزش ارزش، تابع متغیرهایی همچون نوع ارز، حجم مبلغ و محل نگهداری آن است و همین موضوع، عدم قطعیت و پیش بینی ناپذیری بیشتری را به فرآیند برنامه ریزی مالی صادرکننده تحمیل می کند. در واقع، صادرکننده پیش از هر معامله نمی داند که چه بخشی از درآمد ارزی خود را در مسیر بازگشت از دست خواهد داد و این ابهام، تصمیم گیری برای ورود به بازارهای جدید یا تداوم صادرات را با تردید جدی مواجه می سازد. این دو مانع، یعنی زمان بر بودن و هزینه بالا، در تعاملی تنگناگن با یکدیگر عمل می کنند و یک چرخه معیوب را شکل می دهند. تأخیر در بازگشت ارز، صادرکننده را در معرض نوسانات ارزی بیشتری قرار می دهد و خطر کاهش ارزش دارایی او را افزایش می دهد؛ در حالی که هزینه های بالای انتقال نیز به نوبه خود، انگیزه صادرکننده برای استفاده از مسیرهای رسمی را تضعیف و او را به سمت راه های غیرشفاف سوق می دهد. نتیجه نهایی این چرخه، نه تنها کاهش درآمد ارزی کشور و تضعیف ذخایر ارزی است، بلکه اختلال در زنجیره تأمین تولید، افزایش بیکاری و از دست رفتن بازارهای صادراتی سنتی را نیز در پی دارد. سیاست گذاری که بر لزوم بازگشت ارز تأکید می کند، باید به این واقعیت توجه داشته باشد که تازمانی که مسیر قانونی بازگشت ارز پرهزینه تر و دشوارتر از مسیرهای غیررسمی باشد، نمی توان انتظار رفتار اقتصادی عقلانی متغولتی از صادرکننده داشت. اصلاح این وضعیت مستلزم فراتر رفتن از دستورالعمل های اداری و پرداختن به ریشه های ساختاری مسئله است؛ از جمله بازنگری در سیاست های ارزی، کاهش فاصله نرخ ها، ساده سازی فرآیندهای اداری و ایجاد مسیرهای شفاف و کم هزینه برای انتقال وجوه. بدون چنین رویکردی، بازگشت ارز صادراتی همچنان به عنوان یک قفل سنگین بر گلو ی صادرات غیرنفتی باقی خواهد ماند و هر تلاشی برای رونق تولید و صادرات، در برابر این مانع ساختاری ناکام خواهد ماند.

در جمع بندی بحث می توان گفت که چالش بازگشت ارز صادراتی، مسئله ای تک بعدی نیست که با بخشنامه ای اداری یا فشار مقطعی حل شود، بلکه برآیند هم نشینی تحریم، ضعف روابط بانکی، ناهماهنگی سیاست های ارزی و هزینه های بالای انتقال وجوه است. زمان بر بودن فرآیند، سرمایه در گردش بنگاه ها را قفل می کند و چرخه تولید را مختل می سازد؛ هزینه بالای بازگشت ارز، شامل کارمزد صرافی و تبدیل ارز، تا پانزده درصد از ارزش صادرات را می بلعد و انگیزه فعالیت رسمی را کاهش می دهد. این دو عامل با تقویت یکدیگر، صادرکننده را میان تداوم زیان و روی آوردن به مسیرهای غیرشفاف قرار می دهند و در سطح کلان، ذخایر ارزی، اشتغال و حضور ایران در بازارهای جهانی را تضعیف می کنند. بنابراین، هر سیاستی که تنها بر الزام بازگشت ارز تأکید کند و همزمان هزینه و زمان این بازگشت را کاهش ندهد، در عمل به تشدید فرار از مسیر رسمی می انجامد. راه برون رفت، ایجاد مسیرهای کم هزینه، شفاف و قابل پیش بینی برای انتقال ارز، کاهش فاصله نرخ ها، تقویت روابط بانکی جایگزین و ساده سازی مقررات است؛ در غیر این صورت، قفل ارزی همچنان بر گلو ی صادرات غیرنفتی فشار خواهد آورد و فرصت های توسعه صادرات مولد را به هدر خواهد داد.

